

خیابان، فضا و قدرت ↑

↓ گردآوری و تألیف

مرضیه بهرامی برومند

↓ با آثاری از ↓

فؤاد حبیبی - لورتا لیز
محسن توکلیمان
دیوید اتکینسن
یاسین حبیبی - تیم کرسول

میترا زرگر - آصف بیات
مهرداد امامی - محمدرضا تاجیک
ناصر فکوهی - عباس کاظمی
شروین وکیلی - محمدعلی پور



خیابان، فضا و قدرت

گردآوری و تألیف
مرضیه بهرامی برومند



سرشناسه: بهرامی برومند، مرضیه - ۱۳۵۶
عنوان و نام پدیدآور:
خیابان، فضا و قدرت / گردآوری و تألیف مرضیه بهرامی برومند.
مشخصات نشر: تهران: لوگوس ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری: ۲۱۸ ص؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۹۴-۹۴-۶۲۸۸-۶۲۲-۶۷۸-۹۴-۱
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه

موضوع:

خیابان‌ها، جنبه‌های سیاسی؛ خیابان‌ها، جنبه‌های اجتماعی؛
خیابان‌ها در هنر؛ فضاها، عمومی، جنبه‌های اجتماعی
رده‌بندی کنگره: HT113
رده‌بندی دیویی: ۳۰۷/۷۶
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۶۶۳۸۵۳

خیابان، فضا و قدرت

گردآوری و تألیف مرضیه بهرامی برومند

طراح جلد: مانی خنیاگر	ویراستار: مهدی وجدانی	
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۹۴-۱	شمارگان: ۳۰۰	چاپ اول: ۱۴۰۰



برای مشاهده اطلاعات بیشتر کد بالا را اسکن کنید و به وبسایت نشر لوگوس مراجعه کنید.
قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

فهرست مطالب

۱. مقدمه: خیابان و امر سیاسی - مرضیه بهرامی برومند ۱
۲. جنسیت و خیابان - میترا زرگر در گفت‌وگو با مرضیه بهرامی برومند ۹
۳. خیابانی به نام «انقلاب» - آصف بیات، ترجمه مهرداد امامی ۱۹
۴. خیابان و سیاست: تجربه‌ی سیاستی از جنس بازیگوشی در ایران امروز - محمدرضا تاجیک ۳۱
۵. خیابان و مدرنیته - ناصر فکوهی ۶۹
۶. تولد امر مدرن در خیابان - عباس کاظمی ۷۹
۷. پیاده‌ها و سواره‌ها: درآمدی بر جامعه‌شناسی خیابان - شروین وکیلی ۸۹
۸. هنر در خیابان، هنر خیابانی - محمد علی پور ۱۰۹
۹. دگرمدرنیته، شهر و امر مشترک: از خیابان‌های شهر تا تأسیس هستی - فؤاد حبیبی ۱۴۳
۱۰. رنساس شهری و خیابان: فضاها، کنترل و رقابت - لورتا لیز، ترجمه محسن توکلیان ۱۵۱
۱۱. نظام توتالیتر و خیابان - دیوید اُتکینسون، ترجمه یاسین حسینی ۱۷۹
۱۲. گفتمان شب: معنای تولید/مصرف در خیابان - تیم کرسول، ترجمه یاسین حسینی ۱۹۹

مجلس
العلماء

۱. مقدمه:

خیابان و امر سیاسی

مرضیه بهرامی برومند^۱

به شدت از اینکه دیده شوم، با کسی ملاقات کنم، یا شناخته شوم هراس داشتم. «زیرزمین» از قبل در جانم رسوخ کرده بود.

«مارشال برمن»

این جملات بخشی از گفته‌های قهرمان انسان زیرزمینی داستایوسکی در خیابان و بلوار نویسکی است. مارشال برمن (۱۳۸۱) در خوانش کتاب یادداشت‌های زیرزمینی داستایوسکی تردید و نوسان عاطفی کارمند فقیری را - که «انسان زیرزمینی» لقب گرفته بود - توصیف می‌کند که نبرد و مبارزه‌ای را با افسری عالی‌رتبه برای کسب حیثیت و شناسایی متقابل در «خیابان» به نمایش می‌گذارد. انسان زیرزمینی پس از پشت سر گذاشتن دوره‌ای طولانی از درون‌گرایی و انزوا، سرانجام دست به عمل می‌زند، در برابر اربابش می‌ایستد و از هویت خودش در «خیابان» دفاع می‌کند.

داستایوسکی نشان می‌دهد که حیثیت از دست‌رفته انسان زیرزمینی و انحطاط و

۱. نویسنده و پژوهشگر حوزه مطالعات زنان

تباهی او بیش از آنکه از وجوه شخصیتی او نشئت گرفته باشد، ناشی از ساختار زندگی در شهر سن پترزبورگ است. حیات سیاسی و اجتماعی شهر سن پترزبورگ، در نیمه قرن نوزدهم، هنوز تحت کنترل حکومتی قشری و خودکامه بود که مانع مشارکت مردان و زنانِ مدرن شهر در حیاتِ خیابان می‌شد و همانند وزنه‌ای سنگین آنان را به زیر زمین می‌کشید.

اما به گفته برمن، نیمه دوم قرن نوزدهم شاهد تقابل انسان زیرزمینی و طغیانگر با نظام سلطه ارباب‌مآبانه تزار روسیه و به چالش کشیدن آن در خیابان‌های سن پترزبورگ و بلوار نوسکی است که اولین تظاهرات را به صورت فردی تجربه کرد. کارمند فقیر و انسان زیرزمینی نه فقط از خیابان‌های سن پترزبورگ و بلوار نوسکی، بلکه از قشر بندی کاست‌های روسیه فئودالی و تزاری هم عبور کرد. از این رو، خیابان برای انسان‌های زیرزمینی جامعه یگانه جایی است که آنان را از انزوا خارج می‌کند و بستری را فراهم می‌سازد که علیه مناسبات حاکم عصیان کنند.

قیام برای اعاده حیثیت با وساطت خیابان. خیابان بستر ظهور و گشایش انسان‌های زیرزمینی و منزوی است. انسان زیرزمینی، و آدم‌های منفعل و امتیزه همان طبقات فرودست و اقشار گوناگونی هستند که اکثریت جمعیت عظیم شهری را به خود اختصاص داده‌اند. دانشجویان، کارمندان، بیکاران و روشنفکران آزاد که مناسبات نابرابر اجتماعی و طبقاتی جامعه آنها را نادیده گرفته و خشمی طوفانی در آنها ایجاد کرده است. داستان انسان زیرزمینی - در واقع - شرح فرایند ظهور این خشم است

آنها که به عزلتی خودخواسته از جامعه تن داده یا طرد شده‌اند به خیابان می‌آیند تا «دیده شوند». امر دیداری که در مرکزیت فضای عمومی و خیابان قرار دارد، جانشین فضای بسته زیرزمین می‌شود که هدفش تأکید بر امر «نادیدنی» است. اکنون فضا واژگون شده است و رابطه انسان زیرزمینی و اربابان قدرت باید از نو تعریف شود. پای رقیب مهمی به حوزه اقتدار ارباب گشوده می‌شود و فضای عمومی خیابان همچون منبع جدید «امر دیدن» ظهور می‌کند، و امر دیداری را از امری طبقاتی و منحصر به فرد به امری روزمره و قابل دسترس بدل می‌کند.

در واقع، لحظه «دیدن» لحظه‌ای است که زندگی انسان زیرزمینی با سیاست پیوند می‌خورد. در اینجا ما با کنش سیاسی برخاسته از وضعیت زندگی شخصی فرد روبه‌رو

هستیم. «سیاست» و امر سیاسی در چنین بستری بازتعریف می‌شود. امر سیاسی در نتیجه این میل دیدن و دیده شدن از حصارهای تنگ و باریک گفتمان‌های سنتی درباره زندگی فرد و خانواده همچون موضوعی خارج از قلمروی سیاست و دولت رها می‌شود، و شعار «امر شخصی امر سیاسی است» در اعتراض به دیدگاه‌های سنتی درباره سیاست و گفتمان‌های سیاسی‌ای که تأکید خود را بر سیاست طبقاتی استوار می‌کردند صورت می‌پذیرد.

در بازتعریف امر سیاسی، نظریه پساساختارگرا سیاست را به معنای سامان دادن به مناسبات متغیر، دلخواهانه و قراردادی دال و مدلول تعریف می‌کند. این چرخش نظری و مفهومی از سیاست انبوه خلق را به عنوان کنشگر وارد حوزه عمومی می‌کند و در نتیجه، صدایش هم‌پایه طبقه حاکم به گوش خواهد رسید و طردشدگان قدم پیش می‌گذارند تا فضای اجتماعی را دگرگون سازند. بنابراین، سیاست سنتی در سطح حکومت به حاشیه می‌رود و اشکال دیگر سیاست همچون پدیده‌ای مستقل از دولت در کانون توجه قرار می‌گیرد.

ادبیات علوم سیاسی تحت تأثیر مارکسیسم و تفکرات چپ‌گرا، از جنگ جهانی دوم و عصر جنگ سرد تا ۱۹۹۰، عمدتاً بر محوریت طبقه و تحلیل‌های طبقاتی بود اما از دهه ۱۹۹۰ تا سال‌های آغازین دهه نخست قرن بیست و یکم، محوریت و برجستگی تحلیل‌های طبقاتی در ادبیات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تا حدی کم‌رنگ شد و در عوض، موضوعات و مقولات غیرطبقاتی همچون هویت، فرهنگ، باورها، ایدئولوژی‌ها و کنشگران اجتماعی بر تحلیل‌های سیاسی سایه افکند و تحلیل‌های طبقاتی-اقتصادی به تدریج در ساحت نظری معطوف به «عاملیت»، فرهنگ، هویت و ایدئولوژی پرنرنگ و برجسته شد که مهمترین آنها عبارت است از: ظهور و گسترش جنبش‌های اجتماعی جدید غیرطبقاتی مانند جنبش‌های دانشجویی، حقوق مدنی، زیست محیطی یا سبزها، فمینیستی، خلع سلاح، حقوق بشر، فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک شرق، وقوع انقلاب ارتباطات و اطلاعات و جهانی شدن. بنابراین، احزاب سیاسی ایدئولوژیک طبقه بنیاد، در این مقطع و در بستر فرایند پرشتاب جهانی شدن اقتصادی و سیاسی، به تدریج جای خود را به احزاب فراگیر غیریئولوژیک و فراطبقاتی داد. جنبش‌های اجتماعی به کنشگرانی جمعی پرنفوذ در

پویش‌های سیاسی و مبارزاتی جدید تبدیل شد و از بالاترین اعتماد و مشارکت در بین توده‌ها و طبقه متوسط برخوردار شد. امروزه جنبش‌های اجتماعی جهانی به صورت شبکه‌ای و جهانی با دگرسازی مدنی و سیاسی افراد و گروه‌های میانی به مثابه کارگزار مهم و بلامنازع برای پیشبرد عدالت و رساندن اعتراضات توده‌ها و طبقات میانی عمل می‌کند. جنبش‌های اجتماعی در سوق دادن افراد و گروه‌های کم‌بضاعت شهری و متعلق به طبقات پایین از حاشیه به متن سیاست به نحو نسبتاً موفقیت‌آمیزی عمل کرده و بازتاب‌دهنده صدای اعتراضی آنان در افکار عمومی و حاکمیت‌ها در سطح ملی و جهانی بوده است، و میل به حضور و به تصرف در آوردن خیابان‌ها و میدان‌های اصلی شهر را اهرم پیش‌برنده مطالبات و اهداف جنبش خود می‌داند و آن را تنها راه چانه‌زنی بر سرارضای نیازهایشان می‌یابد.

به بیان آصف بیات (۱۳۹۷) خیابان‌ها در این مفهوم تنها مکان هندسی بروز حرکت جمعی برای اقصاری که از نظر ساختاری فاقد هرگونه جایگاه نهادی برای بیان نارضایتی‌شان هستند، در نظر گرفته شده است. میشل فوکو در توصیف چگونگی تبدیل خیابان به عرصه فعالیت سیاسی در چارچوب استفاده آگاهانه از عرصه خیابان به رابطه «فضا» و «قدرت» اشاره می‌کند و می‌گوید آنچه بستر خیابان را در بُعد سیاسی فعال و حائز اهمیت می‌کند استفاده فعالانه و مشارکت‌گرایانه از فضاهای عمومی است. عرصه‌ای که در حالت عادی در حوزه قدرت حکومت و تحت کنترل آن است. چرا که حکومت قواعد و مقررات این عرصه را تنظیم و نظم آن را برقرار می‌کند و از استفادکنندگان این فضاهای عمومی انتظار دارد به شکلی منفعلانه و مطابق با قوانین موضوعه حکومت رفتار کنند. از این رو، هرگونه استفاده فعالانه و مشارکت‌جویانه از آنها هم کنترل قدرت حاکم و هم گروه‌های برخوردار از نظم موجود را به چالش می‌کشد. از منظر وی، منظور از سیاست خیابانی مجموعه‌ای از مناقشه‌ها، چالش‌ها و پیچیدگی‌های ملایم با آن بین یک حرکت توده‌ای جمعی و مقامات مسئول است که به صورت دوره‌ای در فضای فیزیکی-اجتماعی خیابان شکل می‌گیرد و بروز می‌کند. در واقع، نفس شکل‌گیری خیابان‌ها نمایش سیاست و ساخت قدرت انضباطی نظام حاکم بوده است. ساخت قدرت حاکم بر جامعه می‌تواند از خیابان‌ها همچون ابزاری برای نمایش قدرت استفاده کند، بنابراین خیابان مرکز انباشت

قدرت می‌شود اگر که سوژه‌های تابع هنجارهای نظام شایستگی خودشان را اثبات کنند تا امکان حضور در آن را پیدا کنند. اما این نظم آسیب‌پذیر و شکننده است و می‌تواند با مقاومت و مبارزه از هم بپاشد و لحظه‌ای انقلابی پدید آورد. لحظه انقلابی یعنی همان لحظه رویارویی و برابری طلبی سوژه مدرن با سوژه انضباطی نظم حاکم در خیابان.

در نظام‌های توتالیتر خیابان‌هایی که زندگی روزمره مردم در آنها رقم می‌خورد به عنصری مهم از سوژه انضباطی نظام حاکم تبدیل می‌شود و نوعی از انسان متولد می‌شود که بازتولید نظم گفتمانی مردم‌محور و سرکوبگر است. به نظر می‌رسد در دنیای مدرن اعمال خشونت بار کمتر اتفاق می‌افتد اما جغرافیای اخلاقی ساخت قدرت انضباطی نظام حاکم به‌طور فزاینده‌ای در فضای عمومی جامعه و به طرق مختلف همچون نمایش رژه نظامی کهنه‌سربازان جنگ، موکب‌ها، دسته‌هایی از سیاه‌جامگان و برپایی جشن‌های ویژه نظام نشان داده می‌شود تا قدرت مردسالار نظم حاکم تثبیت شود. از این رو، عرصه خیابان بیشتر محل نمایش قدرت نظام حاکم است تا فضای بازنمایی زندگی روزمره. به بیان فوکو «هر کجا قدرت هست، مقاومت نیز هست.»

سیاست متکی به قدرت‌های بزرگ اجتماعی و طبقاتی، هدف‌های والای دربرگیرنده کلیت زندگی اجتماعی، و اقدامات نمادین به پایان خط رسیده است. سیاست نمایشی و جنبش‌های خیابانی مقاومت شکل‌گرفته‌ای است در مقابل سیاست به‌آخر خطر رسیده طبقاتی. جنبش‌های خیابانی در فقدان شرایط سیاست‌ورزی مرسوم و عقیم ماندن آن، سیاست را به زندگی روزمره باز می‌گرداند و زندگی را به شیوه انقلابی تغییر می‌دهد. بدنه این جنبش‌ها را پردشدگانی همچون زنان، مهاجران، اقلیت‌های قومی، جنسی و دینی و... تشکیل می‌دهند که می‌خواهند با واپس‌زدن نقاب‌های ایدئولوژیک پرداخته حاکمانشان، واقعیت سرشار از تضاد و تناقض زندگی در جامعه‌ای طبقاتی را به نمایش بگذارند و مرزهای میان «ما» و «آن‌ها» را هرچه بیشتر شفاف سازند.

در وضعیت نبود نهادهای مدنی و ندیدن و نشنیدن صدا و خواسته‌های افراد پردشده، به‌ویژه در حوزه زنان، خوددگی نیروهای جنبش زنان و ناامیدی از اصلاحات ساختاری «خیابان» به هویت جدایی‌ناپذیر حرکات و کنش اجتماعی تبدیل می‌شود، از این رو مطالبات و خواسته‌های جامعه در خیابان زاده می‌شود، در همان جا تکثیر و